



اثر سیاست خارجی عصر محمود احمدی نژاد بر منافع ملی انوش جعفری^۱، نرگس سحری درگاهی^۲

۱- استادیار، دکتری تخصصی عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

۲- کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد چالوس

Dr_aj2012@yahoo.com

خلاصه

با روی کار آمدن دولت در سال ۱۳۸۴ و تاکید آنان بر موضوع عدالت، می توان نام این دوره را دوره اصول گرایی عدالت محور نامید. دولت نهم سه اصل رفتاری شامل اصول گرایی، عدالت طلبی و صلح گرایی را سرلوحه رفتار خود در عرصه سیاست خارجی قرار داد. محققان در این پژوهش این سوال را پاسخ می دهند که سیاست خارجی دولت احمدی نژاد چه تاثیری بر منافع ملی جمهوری اسلامی داشته است؟ با توجه به بازتاب سیاست خارجی ایران در نظام بین الملل مشاهده میشود که سیاست خارجی محمود احمدی نژاد باعث ابهاماتی در منافع ملی جمهوری اسلامی ایران شده است.

کلمات کلیدی: سازه انگاری، اصول گرایی، منافع ملی، نگاه به شرق، آمریکای لاتین

مقدمه

گفتمان حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره حاکمیت دولت های نهم و دهم با گفتمان آرمانگرایی اصول محور شناخته می شود. تسلط گفتمان آرمانگرایی اصول محور بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره را می توان متأثر از عوامل متعدد داخلی و بین المللی از جمله مسأله هسته ای ایران، افزایش فشارهای بین المللی در این مورد و بازرسی های متعدد نمایندگان آژانس از مراکز فعال در امر فراوری هسته ای در کشور دانست. که در دوره آرمانگرایی اصول محور شاهد تعلیق کلیه همکاری های داوطلبانه هسته ای با نهادهای بین المللی و جلوگیری از باج خواهی بیش از اندازه کشورهای غربی، همراه با نوعی ابرام و ایستادگی بر حقوق هسته ای هستیم که سه قطعه نامه شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحریم هایی برای کشور تاکنون به دنبال داشته است.

تبیین و تشریح سازه انگاری

ظهور سازه انگاری اجتماعی در عرصه سیاست بین الملل در حقیقت کوششی بوده است برای پر کردن شکاف میان خرد گرایی و رویکرد های انتقادی. سازه انگاری نگرشی نو به نقش عقلانیت در وضعیت ها و پدیده هایی دسته جمعی انسانهاست و همانگونه که بر ساختار های مادی و اجتماعی تاکید می ورزد، ساختار هنجاری و معنوی را نیز دارای اهمیت تلقی می کند. سازه انگاران تمرکز خویش را روی اعتقادات بین الاذهانی، دکترین های دانش، قرار می دهند ضمن اینکه، آنان بر این تصورند که منافع و هویت های انسانها به صورتی که آنان خویشتر را در روابط با سایرین درک می کنند، از طریق همان اعتقادات مشترک شکل گرفته و تبیین می شوند. تحت این شرایط ابزار هایی چون نهادهای اجتماعی جمعی مانند حاکمیت دولت یا وضعیت آشوب زدگی بر اساس برداشت بازیگران تشکیل می یابد و می تواند ساخته و پرداخته ذهن آنها باشد. نکته اساسی در رویکرد سازه انگاری آن است که نمی توان سیاست بین الملل را در حد یک سلسله تعاملات و رفتار های عقلایی و در چهار چوب های صرف مادی و نهادی در سطوح ملی و بین المللی تقلیل داد، زیرا تعاملات دولت ها صرفاً بر اساس یک سلسله منافع ملی تثبیت شده



شکل نگرفته، بلکه در طول زمان به صورت نوعی الگوی رفتاری از طریق هویت های تشکلی می یابند و یا باعث تشکلی هویت ها می شوند. (قوام، ۱۳۸۱، ۲۲۲)

سازه انگاری از جمله نظریات دارای هستی شناسی معناگرا است که از درون چارچوب رویکرد انتقادی معتقد است رویکردهای خردگرا به دلیل کم توجهی به عنصر فرهنگ و مجموع انگاره ها در تحلیل مسائل پیرامون دچار نقصان می باشند. با توجه به اصول نظریات خردگرایی و انتقادی که هر کدام بر جنبه ای از عقلانیت انسان تأکید می کنند باید بیان نمود که سازه انگاری در جهت تکمیل بحث ایشان از طریق پذیرفتن واقعیات عرصه بین المللی چون خردگرایان واقع گرا و لزوم ایجاد تغییر بر اساس نظریات انتقادی است (شفیعی، رضایی، ۱۳۹۱، ۶۴) از دیدگاه سازه انگاران نظام بین المللی متشکل از توزیع انگاره ها است تا توزیع توانمندی های مادی، و اولویت را در مناظره ماده و معنا به انگاره ها و اندیشه ها می دهد و تمرکز اصلی بر اعتقادات بین الاذهانی (مشخصه بین ذهنیت این است که هنجارها را از باورهای فردی جدا می سازد. (فلاحی، ۱۳۸۰، ۱۸۷)

از دیدگاه سازه انگاری کنشگران براساس معانی عمل می نمایند و این معانی بین الاذهانی در تعامل است که شکل می گیرند، این روند شکل گیری معانی در یک روند علامت دادن، تفسیر کردن و پاسخ دادن شکل داده می شود به صورتی که به شناخت مشترک می انجامد «فرد» نشانه ها را براساس تعامل، مباحثه، گفتگو، مناظره و استدلال تفسیر می نماید و براساس برداشت و تفسیر خود به آن نشانه و کنش ها، واکنش و پاسخ می دهد و در این روند هویت به صورت شاخصه «خود» و «دیگری» یا «دوست» و «دشمن» شکل می پذیرد، از این منظر این ساختارهای شناختی مشترک هستند که به عنوان تعریف کننده و بستر ساز منابع مادی عمل می کنند بنابراین در برداشت سازه انگارانه، کنش ها همیشه برداشت از «خود» و «دیگری» را تعریف و باز تعریف می کنند.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه انگاری

پس از انقلاب اسلامی، «هنجارهای دینی و سنتی ما قبل اسلام و ما بعد آن» دارای وزن و اعتبار ویژه ای در میان لایه های متعدد هویتی و فرهنگی سیاست خارجی است. البته ضمن این هنجار شاخص، چندین نوع هنجار کلی در شکل گیری هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مؤثر اند که قابل دسته بندی در دو بعد داخلی و خارجی هستند: در بعد داخلی، هنجارهای مرتبط با سیاست خارجی، عمدتاً از «فرهنگ سیاسی» نشأت می گیرند (آل غفور، ۱۳۸۰، ۳۶) که خود به لحاظ مفهومی، تابعی از فرهنگ عمومی بوده و پدیده های متغیر و در عین حال، واجد عناصری کم و بیش ثابت و شکل گرفته است. فرهنگ سیاسی معاصر ایران، دارای سه لایه یا سه بعد «مذهبی»، «سنتی-ایرانی» و «مدرن» یا آمیزه ای مرتبط با سه عنصر دیانت، ملیت و تجدد است. در میان این ابعاد اساسی، لایه مذهبی، یکی از ارکان مقوم و مگون هویت جمهوری اسلامی ایران شناخته می شود. که در تدوین قانون اساسی نیز متجلی شده است. لایه و سطح دوم فرهنگ سیاسی ایران را سنت ها و آداب و رسوم و نیز باورهای مشترک ایرانی ها شکل می دهند که در طول تاریخ، تکوین یافته و حتی گاهی خود را در شکل عناصر کم و بیش ثابت نمایانده است. نتیجه این تعامل، به وجود آمدن هویت جدید ایرانیان، مبتنی بر تلفیق این هنجارها و برجسته شدن عنصر دین بود. (کوشا، ۱۳۸۶، ۱۱) فرهنگ سیاسی ایران به تدریج از اواسط دوران قاجاریه تحت تأثیر عناصر و اجزایی از تجدد و فرهنگ غربی قرار گرفت که لایه سوم را تشکیل می دهد. در این لایه، نوعی دوگانگی مشاهده می شود، یعنی از یک طرف، تمایل به مظاهر فن آوری و علم غربی وجود دارد و از سوی دیگر، غرب یکی از عوامل اصلی عقب ماندگی یا توسعه نیافتگی ایران محسوب می شود. ترکیب این معنا با ماهیت متغیر و سیال هنجارها و بافت ساختاری آنها مطابق زبان سازه انگاری به آن معنا خواهد بود که گسل های نگرشی و کشمکش های سیاسی، ویژگی دائمی فرایندهای سیاسی است. (دهشیار، ۱۳۸۱، ۱۰۴۰) بعد خارجی و نوع دوم هنجارهای مؤثر بر سیاست خارجی ایران، هنجارهای خارجی یا هنجارهای حاکم بر نظام بین المللی است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی در واکنش به این هنجارها و ساختارهای بین المللی در طول سه دهه گذشته، سیاست مبتنی بر قبول یا رد مطلق را اتخاذ نکرد. بلکه این سیاست، مشتمل بر مواضع و رویکردهای دوگانه ای تنظیم شده که در عین این که ساختار بین المللی و اغلب هنجارهای حاکم بر آن را فاقد مشروعیت می داند، براساس اصل مصلحت و برای حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی بسیاری از آنها را می پذیرد.

خاستگاه هویتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران



انقلاب اسلامی ضمن پیوند با مدارهای هویتی نزدیک، تئوری های قدرت در معادلات کلان جهانی را به چالش کشانده و در برآیند کلی و بیرونی به منزله طرح نویی تلقی شد که فراتر از فضای شیعی، الهام بخش معنوی ملت ها و نهضت های آزادی بخش، به ویژه در جوامع مسلمان شد و به تبع آن، دین اسلام از حاشیه سیاست ها و معادلات بین المللی خارج شده و در مرکز فضای ذهنی دنیای معاصر نشست. (سیدنزاد، ۱۳۹۰)

این فرایند نشان می دهد که هویت ها همان گونه که سازه انگاران تأکید کرده اند، صرفاً مقوله ای فلسفی یا جامعه شناختی نیستند، بلکه متغیری تعیین کننده در نحوه تعامل واحدهای سیاسی با یکدیگر بوده و ارتباط مستقیمی با قدرت دارند. (سیمبر، ۱۳۸۵، ۷۶) این تلقی سازه انگارانه از جایگاه و تأثیر هنجارهای دینی، امروزه به طور خاص، منزلت ایدئولوژیک ایران در بعد بیرونی به ویژه در سطح افکار عمومی منطقه و الگودهی به جنبش های اسلام گرا را توضیح می دهد. در واقع، کارکرد اجتماعی دین و هویت جدید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می توان به تعبیر گاکسینی همان «تکوین واقعیت اجتماعی در طول زمان» نامید. که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز تبلور یافته و اصولی را به خود اختصاص داده است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ویژگی ها و مختصات منحصر به فرد و متمایز خود را طی چندین دهه حفظ کرده و آنها را در فرایند رفتاری به کار گرفته است. به عبارت دیگر، تأثیرگذاری بافت هویتی آن محدود به دوره تدوین قانون اساسی یا مراحل اولیه شکل گیری انقلاب نبوده است. (سازمند، ۱۳۸۴، ۵۰) در تحلیل سازه انگارانه جامعه ایرانی دارای هویتی متکثر و غیر ثابت با خاستگاه های متعدد در نظر گرفته می شود که برخی از عناصر هویت بخش آن در شرایط استبداد داخلی و نظام دو قطبی حاکم بر ایران قبل از انقلاب، در حاشیه قرار گرفته بودند، اما ملت ایران به مثابه یک حامل هوشمند هویتی در واکنش به تحمیل فرهنگ و هویت سازی ناسازگار با شخصیت تاریخی خود، عناصر هویتی خود را در مقطع انقلاب به کار گرفت و ظهور متفاوتی از سیاست خارجی را به نمایش گذاشت. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲، ۹۰۵)

گفتمان اصولگرایی عدالتخواه

گفتمان دولت نهم و دهم دارای چهار ویژگی «عدالت گستری»، «مهرورزی»، «پیشرفت و تعالی مادی و معنوی» و «خدمت رسانی» می باشد که بر حول محور (ولایت)، مفصل بندی شده اند. در برنامه ی دولت نهم در بخش راهبردهای کلان دولت نهم، در ذیل عنوان «ارزشها»، موارد کسب رضای الهی از طریق عدالت گستری، مهرورزی، خدمت به بندگان خدا و پیشرفت و تعالی مادی و معنوی کشور آمده است. همچنین توسعه ی عدالت محور، اقامه ی قسط توأم با مهرورزی، خدمت و تعالی و پیشرفت به عنوان زیر مجموعه ی هدف بنیادین این راهبردهای کلان ذکر شده است (برنامه دولت نهم، ۱۳۸۴، ۱۱).

سیاست خارجی دولت نهم

رئیس جمهور «عدالت، مهرورزی، دوستی و برادری، حفظ کرامت انسانی و توجه به اخلاق و معنویت» را از اصول سیاست خارجی دولت نهم برشمرده است (احمدی نژاد، ۱۳۸۷/۵/۲۱) گفتمان دولت نهم و دهم در حوزه ی سیاست خارجی، دارای رویکردهای عمیق جهانی و منظرهای جهان وطنانه است و حرکت و بسترسازی برای حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از اهداف عالی این دولت به شمار می آید و در همین راستا ابراز می دارد: «تلاش برای تسریع در آبادانی کشور و آماده شدن برای اداره ی جهان و فراهم کردن شرایط تعالی انسانها از مهمترین مأموریت های بسیج است. فرهنگ انقلاب اسلامی و بسیج، مبتنی بر آموزه های اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله)، تنها راه نجات و سعادت بشریت است و با توجه به بن بست دنیای مادی در عرصه های مختلف نظری، فرهنگی و اقتصادی، می توانیم راه حل های صحیح برای اداره ی درست جهان را به سرعت در اختیار بشریت قرار دهیم» (احمدی نژاد، ۱۳۸۷/۹/۵)

شاخص های گفتمان اصول گرایی در سیاست خارجی

۱- دولت-ملت جمهوری اسلامی ایران



دولت ملی در گفتن اصول‌گرایی، مانند دیگر خرده‌گفتمان‌های اسلام‌گرایی، در چارچوب ایدئولوژی و جهان‌بینی اسلامی-شیعی تعریف می‌گردد. در این گفتن دولت سرشتی کاملاً دینی و اسلامی برخوردار است. این گفتن از نظر سیاست اخلاقی به دولت و حکومت می‌نگرد که سعادت و آخرت انسان‌ها را تأمین کند. از این رو، رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد یکی از مهم‌ترین رسالت‌ها و مأموریت‌های سیاست خارجی آن را تعالی جوامع انسانی برمی‌شمارد (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۶).

۲- هویت و نقش ملی

در گفتن اصول‌گرایی دو مولفه «اسلام» و «انقلاب اسلامی» اهمیت و اولویت بیشتری نسبت به ایران و ایرانیت در تکوین هویت جمهوری اسلامی ایفا می‌کنند. مهم‌ترین لایه هویت ملی ایران و مهم‌ترین مرجع وفاداری مردم ایران، اسلام شیعی است که حاکی از غلبه مؤلفه اسلامی بر ایرانیت است (دهقانی، ۱۳۸۴، ۶۷-۶۶). ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری و مبارزه با استکبار و نظام سلطه بیشترین نقش و تأثیر و تکوین و شکل‌گیری هویت ملی ایران ایفا می‌کند.

۳- منافع و اهداف ملی

در چارچوب گفتن اصول‌گرایی، ماهیت و هویت اسلامی-انقلابی جمهوری اسلامی ایران، معنا و مدلول منافع و اهداف ملی آن را نیز تعیین و تعریف می‌کند. منافع و اهداف ملی ایران برحسب ارزش‌ها، آرمان‌ها و اصول اسلامی و انقلاب اسلامی تعریف می‌گردد.

۴- نظم و نظام بین‌الملل

آنچه که گفتن اصول‌گرایی را از دیگر خرده‌گفتمان‌های اسلام‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی جدا می‌کند در زمینه عدم سازگاری و انطباق نظم و نظام بین‌الملل موجود با نوع اسلامی مطلوب است. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۴، ۶) نظم و نظام بین‌المللی مستقر و موجود را کاملاً ناعادلانه، نامشروع و نامطلوب می‌پندارد. این امر به معنای نپذیرفتن نظام سلطه و ناعادلانه جهانی موجود، مقابله و مبارزه با آن و تلاش برای اصلاح و تغییر ساختاری، هنجاری و نهادی آن است.

۵- صلح عادلانه یا مثبت

معنای صلح در گفتن اصول‌گرایی عدالت محور، فراتر از مفهوم صلح منفی و حداقلی می‌رود و منطبق بر مفهوم صلح مثبت در ادبیات و نظریات روابط بین‌الملل است. چون در این قرائت از صلح پیوند عمیقی بین صلح و امنیت و عدالت برقرار می‌گردد؛ به گونه‌ای که بدون تحقق عدالت، صلح و امنیت نیز تأمین نمی‌شود. (روزنامه شرق ۱۳۸۴/۸/۸)

۶- عدالت و عدالت‌گری در دولت نهم

محمود احمدی‌نژاد به عنوان نامزد ریاست جمهوری تأکید دارد که هدف سیاست داخلی و خارجی احیای اصول، ارزش‌ها و آرمان‌های نخستین انقلاب و در رأس آن عدالت است (دهقانی، ۱۳۸۴، ۷۲). وزیر امور خارجه، منوچهر متکی نیز تصریح می‌کند که جهت‌گیری‌های دولت نهم در چارچوب انقلاب اسلامی و ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی ایران است (متکی، ۱۳۸۵). با این جهت‌گیری می‌توان گفت که اصول‌گرایی و عدالت‌خواهی یا عدالت‌گستری لازم و ملزوم هم بوده و عناصر سیاست خارجی جمهوری اسلامی را شکل می‌دهند.

۷- سیاست خارجی تعهد تجدیدنظر طلب

راهبرد یا جهت‌گیری سیاست خارجی دولت اصول‌گرا، عدم تعهد تجدیدنظر طلب است. در چارچوب اصل بنیادی نه شرقی نه غربی این نوع تعهد دارای تعهدات و رسالت انقلابی و ایدئولوژیک است. از این رو، فراتر از عدم تعهد متعارف علاوه بر عدم همبستگی و پیوستگی به مراکز قدرت و قدرت‌های جهانی، درصدد تغییر و تحول نظام و نظم بین‌الملل مستقر است. این هدف نیز از طریق تغییرات زیربنایی در اصول و مبانی نظم و نظام نامطلوب موجود تحقق می‌یابد. (روزنامه ایران، ۱۳۸۶/۵/۲۲)

رویکردهای سیاست خارجی دولت نهم

۱- تأکید بر احیاء نقش عدالت و معنویت در تحولات جهان

دولت احمدی‌نژاد با مبتنی ساختن پایه‌های رفتار سیاست خارجی بر حاکمیت معنوی و اصول اخلاقی و عادلانه در تمام مناسبات جهانی بر این باور است که عزت و کرامت تنها در سایه عدالت محقق می‌شود و عدالت و معنویت تنها پایه‌های ایجاد نظم و صلح پایدار در جهان محسوب می‌شوند. (متقی، ۱۳۸۴، ۶)



۲- متوازن ساختن حق و تکلیف در سیاست بین الملل

تأکید سیاست خارجی دولت نهم بر این است که باید بین تکلیف، تعهدات و مسئولیت ها در صحنه بین المللی از یک سو و حقوق و اختیارات بین المللی ایران از سوی دیگر، توازن و تعادل برقرار باشد. در این راستا، دیپلماسی دولت نهم بر اعتقاد به اجرای کامل مقررات بین المللی، تساوی حقوق ملت ها، تبعیت از اراده ملی و ... است. (غریبی، ۱۳۸۷، ۵)

۳- رویکرد سیاست خارجی

تقسیم جهان به دارالمستکبرین و دارالمستضعفین و اتخاذ استراتژی تقابلی-تهاجمی در مقابل اولی و استراتژی تعاملی-فعال در مقابل دومی را می توان مهمترین راهنمای سیاست خارجی احمدی نژاد دانست. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۹، ۱۱۵) دولت نهم ضمن نفی انفعال در سیاست خارجی، معتقد است جمهوری اسلامی ایران باید بر پایه سه اصل « عزت، حکمت و مصلحت » دیپلماسی فعال و عزتمند را در عرصه روابط خارجی پی گیرد. (دهشیری، ۱۳۸۵، ۱۴)

۴- رویکرد مردمی به دیپلماسی

دولت نهم درصد آن برآمده که بر روی افکار عمومی منطقه و جهان سرمایه گذاری کند در این راستا دیپلماسی مردم محور به عنوان مبنای اعتمادسازی جهانی با حفظ اصول و ارزش ها و اقتدار در عرصه های بین المللی مورد توجه قرار گرفته است. (عیوضی، ۱۳۸۴، ۲۱۸) به کارگیری ظرفیت های فرهنگی، رسانه ای، دانشگاهی و تشکل های غیر دولتی در جهت توسعه و پیشبرد اهداف سیاست خارجی و نیز اهتمام به نقش ایرانیان مقیم خارج و نیز مسلمانان و نخبگان شیفته انقلاب اسلامی به عنوان سفرای فرهنگی کشور و بازیگران مؤثر در همکاری علمی، فنی و اقتصادی با جهان در این راستا قابل ارزیابی است. (دهشیری، پیشین).

۵- نگاه متفاوت به سازمان ملل متحد

سازمان ملل به عنوان اصلی ترین نهاد حفظ صلح و امنیت بین المللی همواره برای جمهوری اسلامی ایران از جایگاه خاصی برخوردار است. آقای احمدی نژاد در خصوص موضوعات جدید پیش آمده و سازمان ملل چنین می گویند: « امروز سازمان ملل مسئولیت بسیار مهمی را بر عهده دارد. یک حادثه بزرگ در حال وقوع است و آن هم طبقاتی کردن ملت هاست... این خطر بزرگی است که صلح و امنیت بین الملل و آینده بشریت را تهدید می کند. متأسفانه واژه های مقدسی مثل حقوق بشر و مبارزه با سلاح های کشتار جمعی، توسط برخی کشورها بیشتر به یک بازیچه تبدیل شده است. سازمان ملل باید با این رفتارهای دوگانه قدرتمندان برخورد کند » (غریبی، پیشین، ۴)

۷- مهرورزی

اصل مهرورزی از اصول اساسی سیاست خارجی دولت نهم بوده است. به گفته آقای احمدی نژاد براساس اعتقادات اسلامی، ما همه بشریت را دوست داریم. ما فکر می کنیم که همه انسان ها باید همدیگر را دوست داشته باشند و عاشق هم باشند تا دنیا بتواند روی صلح و دوستی را ببیند. ما واقعاً هرجایی بر هر ملتی درد و رنجی وارد می شود، غصه دار می شویم... ما همه دنیا را دوست داریم. چون همه را دوست داریم با تهدید مخالفیم (کیهان، ۱۳۸۴، ۱۰).

الگوهای رفتاری دولت نهم

۱- سیاست نگاه به شرق

دولت نهم از سیاست نگاه به شرق به عنوان راهبردی برای برقراری تعادل و توازن بین نگاه به شرق و نگاه به غرب استفاده میکند. با این وجود نگاه به شرق به معنای نادیده گرفتن غرب نیست. بلکه به معنای آن است که از وزنه و توان شرق بویژه کشورهایمانند روسیه، چین، هند و حتی کشورهای آسیای جنوب شرقی استفاده شود. (عیوضی، پیشین، ۲۲۰)

۲- گسترش روابط با کشورهای امریکای لاتین

یکی دیگر از الگوهای رفتار سیاست خارجی دولت نهم، توسعه روابط با کشورهای امریکای لاتین است. روابط در این حوزه با به قدرت رسیدن رؤسای جمهور چپ گرا در امریکای لاتین و دولت جدید در جمهوری اسلامی ایران مقارن شد همسو بودن سیاست های انقلابی و ضد امپریالیستی امریکای لاتین با سیاست خارجی تهاجمی دولت نهم و تبدیل شدن مبارزه با امریکا که به شعار اصلی بسیاری از رهبران نوظهور



امریکای لاتین فرصتی بود که جمهوری اسلامی ایران از آن بهره‌مند شد (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۸۹/۸/۳). عامل دیگر سیاست استقلال‌طلبی و ضد هژمونیک بعضی از کشورهای امریکای لاتین برای استقرار نظام چندقطبی در جهان بود. از بعد اقتصادی، منطقه امریکای لاتین با برخورداری از منابع عظیم نفت و گاز و ظرفیت‌های بالای معدنی و ... می‌توانست شریک اقتصادی بسیار خوبی برای جمهوری اسلامی ایران باشد

۳- تجدید نظرطلبی در خصوص آمریکا

بارزترین و مهمترین وجه تجدیدنظر طلبی در سیاست خارجی ایران در عصر اصول‌گرایی، مخالفت آشکار و مقابله نمایان و نهادین با نظام سلطه جهانی است. اولین گام در راه مقابله با نظام موجود، آشکار ساختن ماهیت ظالمانه، غیرطبیعی و نامشروع آن است. (روزنامه ایران، ۱۳۸۶/۵/۳۰، ۵) یکی از مهم‌ترین اولویت‌ها و اهداف سیاست خارجی دولت اصول‌گرا «مبارزه با نظام تک‌قطبی و امپراطوری نظام سلطه جهانی»، «مقابله با استعمار فرانو و مبارزه با ترفندهای نظام سلطه جهانی»، «مبارزه با انحصار قدرت در سطح جهانی» (متکی، ۱۳۸۵، ۱۴) است.

۴- گفتگوهای انتقادی با آمریکا

با ارسال نامه احمدی‌نژاد به جرج بوش در سال ۱۳۸۵، گفت‌وگوهای جمهوری اسلامی ایران و آمریکا آغاز شد. پس از گذشت ۲۷ سال از قطع روابط دیپلماتیک ایران و آمریکا این نخستین نامه از سوی رئیس جمهوری ایران به رئیس جمهور آمریکا بود. احمدی‌نژاد در این نامه سیاست خارجی و الگوهای رفتاری آمریکا را مورد نقد قرار داد و آنها را با آموزه‌های مسیح، حقوق بشر و حتی ارزشهای لیبرالی در تناقض دانست و با استناد به آیه سوم سوره آل عمران به آموزه‌های مشترک بین مسیحیت و اسلام اشاره کرد.

۵- تغییر و اصلاح سازمان‌های بین‌المللی

دولت نهم که ارزش محوری و عدالت‌گستری را نه تنها در داخل بلکه در سطح نظام بین‌الملل سرلوحه اندیشه و عمل خویش قرار داده، سازمان‌های بین‌المللی به ویژه سازمان ملل متحد را نهادهایی ناعادلانه در جهت سلطه ابر قدرت‌ها به ویژه آمریکا تلقی می‌کند و معتقد است این سازمان‌ها باید در جهت اصول دموکراتیک و حقوق برای همه اعضای تغییر و اصلاح شوند. دولت نهم سازمان‌ها را به گونه‌ای می‌پذیرد و بر تصمیم‌گیری آنها صحنه می‌گذارد که نمایندگان ملت‌ها باشند و نه دولت‌ها.

۶- تعامل با شورای همکاری خلیج فارس

سیاست و جهت‌گیری دولت اصول‌گرا مبنی بر تعهد به اصول و آرمانهای اولیه انقلاب اسلامی باعث سوء برداشت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از اهداف و نیت آن شد. اوج‌گیری بحران هسته‌ای ایران در اثر تبلیغات و تحریکات آمریکا نیز ابهاماتی را در مورد ماهیت فعالیت‌های هسته‌ای کشور در شورای همکاری برانگیخت. از این رو رفع ابهامات و سوء تفاهات ایجاد شده و اعتماد سازی مجدد با همسایگان جنوبی در دستور کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گرفت. جمهوری اسلامی در این دوران سعی کرد با پرهیز از رویارویی سخت‌افزاری با آمریکا، اعتمادسازی، تعامل و تعاون با کشورهای منطقه، علت وجودی اتحاد و ائتلاف ضد ایرانی را خنثی و منتفی سازد. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۶، ۴۷-۴۶)

تأثیر سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد بر منافع ملی

منافع ملی اغلب با دو شاخصه کاهش تهدیدات و افزایش فرصت‌ها پیوند زده می‌شود، در واقع هر چه سیاست خارجی یک دولت به تولید و تقویت امنیت و توسعه یک کشور کمک بیشتری کند، می‌توان سیاست خارجی را موفقیت‌آمیز تلقی کرد. (ساعی، هاشمی بهرامی، ۱۳۹۱، ۳۱-۳۰) در آخرین سال ریاست جمهوری بوش پسر مباحث عمدتاً حول چگونگی و کارآمدی یا عدم کارآمدی حمله به ایران دور می‌زد. اظهارات رادیکال‌گونه رئیس دولت بدون در نظر گرفتن قواعد بازی حاکم بر نظام بین‌الملل و بدون ملحوظ داشتن مولفه‌های اقتدار ملی و برخورد تهاجمی ذهنی گریانه به منظور مطرح شدن در عرصه بین‌المللی در راس علل زیانهای وارده به منافع ملی قرار دارد. چنین رویکردی دولت نهم و دهم را بی‌نیاز از بهره‌گیری از نظرات کارشناسان زبده و حضور آنان در ساختار دیپلماسی کشور نمود تا فرصت برای کسانی که با تملق‌گویی و تائید نظرات غیرکارشناسی در جهت منافع شخصی خود عمل می‌کنند، فراهم شود. (سلیمانی، ۱۳۹۲، ۳) اگر بخواهیم به ارزیابی سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم در خصوص منافع ملی بپردازیم می‌توانیم به موارد زیر اشاره کنیم:

۱- امنیتی شدن چهره جمهوری اسلامی ایران



در حالی که تا پیش از شکل گیری دولت های نهم و دهم تلاش زیادی برای غیرامنیتی کردن مساله ایران در سطح بین المللی صورت گرفته بود، طی دوره دولت های نهم و دهم با طرح برخی موضوعات غیرضروری مثل محور رژیم اسرائیل از نقشه جهان، مجدداً فرآیند امنیتی شدن ایران، تشدید شده است.

۲- تضعیف موقعیت و اعتبار جهانی

طی چند سال اخیر، به دلیل نوع عملکرد و ادبیات دولت های نهم و دهم، موقعیت و اعتبار جمهوری اسلامی ایران تا آنجا تضعیف شد که در مقطعی در فضای افکار عمومی جهانی، موضوع حمله به ایران به یک بحث عادی تبدیل گردید و قبح اخلاقی و هنجاری آن از میان رفت. در آخرین سال ریاست جمهوری بوش دیگر سخنی از مشروعیت و یا عدم مشروعیت حمله نظامی به ایران در میان نبود، بلکه مباحث عمدتاً حول چگونگی و کارآمدی یا عدم کارآمدی حمله به ایران دور می زد.

۳- حقوقی شدن تهدیدها و تحریم ها

در دوره دولت های نهم و دهم، مجموعه ای از قطعنامه های شورای امنیت به تهدیدها علیه ایران ابعاد حقوقی بخشیده است. در شرایط موجود، بر اساس قطعنامه های شورای امنیت و با توجه به تلقی آنها، ادعای مشروعیت فعالیت های هسته ای ایران نزد محافل حقوقی و رسمی بین المللی زیر سوال رفته است، زیرا این قطعنامه ها هر گونه توسعه و ادامه فعالیت هسته ای ایران را غیرقانونی می دانند. کاهش انتخاب های استراتژیک ایران طی دوره مذکور به دلیل سیاست های اتخاذ شده، حق انتخاب استراتژیک ایران بسیار محدود شد.

۴- تهدیدهای منطقه ای

در چند سال اخیر و با وجود اینکه سیاست های آمریکا در منطقه با شکست مواجه شد و فرصت های بزرگی برای ایران به وجود آمد، ولی تهدیدهایی علیه جمهوری اسلامی ایران در بسیاری از مناطق همجوار افزایش پیدا کرد، از جمله: در عراق، خلیج فارس، افغانستان و سوریه. (ساعی، هاشمی بهرمانی، پیشین، ۳۲)

نتیجه گیری

هویت جمهوری اسلامی ایران در این مقطع تحت تأثیر ارزش ها و هنجارهای ناشی از اسلام شیعی و لایه های فرهنگ ایرانی و همچنین قوانین مندرج در قانون اساسی شکل گرفت. در سیاست خارجی دولت نهم و دهم نظام بین الملل کنونی که با نظم بین المللی اسلامی انطباق ندارد قابل پذیرش نیست و منافع و اهداف ملی هم برحسب ارزش ها، آرمان ها و اصول اسلامی و انقلاب اسلامی تعریف می گردد. منافع حیاتی، امنیتی و اقتصادی و همچنین منافع معطوف به نظم جهانی و ایدئولوژیک نیز در عرصه سیاست خارجی پی گیری می شود. دولت نهم و دهم در تنظیم و جهت گیری مناسبات و روابط خارجی خود به چند اصل اساسی اتکا دارد. عدالت در روابط بین الملل، مهرورزی، پایداری بر اصول، توسعه متوازن و برابر روابط با دیگر کشورها، توسعه عضویت در نهادهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی، منطقه ای و جهانی، مقابله با تک قطبی گرایی و سیاست خارجی چند جانبه گرا از اهم آن اصول است. در سیاست خارجی تهاجمی دولت احمدی نژاد شاهد صدور چند قطعنامه و تحریم های گسترده بودیم که منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داد.

منابع

- احمدی نژاد، م (۱۳۸۵/۲/۴) "بخشی از مصاحبه مطبوعاتی و رسانه ای رئیس جمهور با خبرنگاران داخلی و خارجی" خبرگزاری جمهوری اسلامی. احمدی نژاد، ۱۱/۱۰/۱۳۸۶، ۲۱/۵/۱۳۸۷، ۹/۱۳۸۷، ۱۳۸۷/۹/۱۱
- آل غفور، س م (زمستان ۱۳۸۰) "خاستگاه فرهنگ سیاسی ایران معاصر" مجله علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۱۶. برنامه دولت نهم، تهران، دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت، (مرداد ۱۳۸۴)
- حاجی یوسفی، (زمستان ۱۳۸۲) "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، محدودیت ها، فرصت ها و فشارها"، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۷، شماره ۴.
- خامنه ای، آیت الله سید علی (۱۳۸۶/۵/۱۳). "آیت الله خامنه ای در جمع مسئولان وزارت امور خارجه در تاریخ ۱۳/۵/۱۳۸۶" روزنامه ایران. (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۸۹/۸/۳).



- دهشیری، م (نیمه مرداد ۱۳۸۵)، بررسی رویکرد سیاست خارجی دولت نهم؛ تداوم در عین تغییر، همشهری دیپلماتیک، شماره ۵ دهقانی فیروز آبادی، س ج (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴) "گفتگوی هسته‌ای ایران و اروپا (از آغاز تا نشست بروکسل)"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۱۱ و ۲۱۲.
- روزنامه ایران، ۱۳۸۶/۵/۲۲، ۱۳۸۶/۵/۳۰،
- روزنامه شرق، ۱۳۸۴/۸/۸
- روزنامه کیهان، ۱۳۸۴/۱۱/۶
- ساعی، هاشمی بهرمانی، ف (پاییز ۱۳۹۱) "بررسی عملکرد سیاست خارجی دولت های نهم و دهم در زمینه تامین منافع ملی" مجله علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج، سال ۸، شماره ۲۰.
- سازمند، ب، ترک تبریزی، ا (۱۳۹۱) "بازشناسی زمینه های هویتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ رهیافتی سازه انگارانه" مجله مطالعات ملی، سال ۱۳، شماره ۵۰.
- سیدنژاد، س ب (۱۳۹۰) "مطالعه تحلیلی و تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با نظریه سازه انگاری" فصلنامه علمی ترویجی علوم سیاسی، شماره ۴۹.
- شفیعی، ن، رضایی، ف (تابستان ۱۳۹۱) "نقد و ارزیابی نظریه سازه انگاری" مجله پژوهشهای سیاسی، شماره ۴.
- عیوضی، م (تابستان ۱۳۸۴) "تحلیلی بر سیاست خارجی آقای دکتر محمود احمدی نژاد" راهبرد یاس شماره ۱۴.
- غریبی، س (۱۳۸۷)، پایان نامه سیاست خارجی آقای احمدی نژاد، استاد مربوطه دکتر فرهاد درویش، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).
- فلاحی، ع (۱۳۸۰) "سازنده گرایی در سیاست خارجی"، فصلنامه راهبرد، سال ۶، شماره ۲۱.
- قوام، ع (۱۳۸۸) روابط بین الملل (رویکرد ها و نظریه ها)، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم.
- کوشا، م (۱۳۸۶) قدرت نرم و هویت ملی، تهران، موسسه مطالعات ملی.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۴)، "بررسی سیاست خارجی دولت احمدی نژاد؛ غلبه اسطوره بر واقعیت"، نشریه حیات نو اقتصادی.
- متکی، منوچهر (۱۳۸۵) "سیاست خارجی دولت نهم: یک سال بعد"، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک خاورمیانه.